راه‌های مقابله با چشم زخم

در دنیایی که (اشـعه لیزر) که شعاعی است نامرئی می‌تواند کاری کند که از هیچ سـلاح مخربی سـاخته نیست، پذیرش وجـود نیرویـی در بعضی از چشـم ها که از طریـق امواج مخصوص در طرف مقابل اثر بگذارد چیز عجیبی نخواهد بود.

بسـیاری نقل می کنند که با چشم خود افرادی را دیده اند که دارای این نیروی مرموز چشـم بوده اند، و افراد یا حیوانات یا اشـیایی را از طریق چشم زدن از کار انداخته اند، لذا نه تنها نباید اصراری در انکار این امور داشـت بلکه باید امکان وجود آن را از نظر عقل و علم پذیرفت.

همان طور که روح های پاک می توانند از خود انوار معنوی القـاء کنند و عزم هـا را در توجه به معنویات زیـاد نمایند و در نتیجه انسـان، قدرت تمرکز در مسـائل توحیدی نصیبش شـود، بعضی از روح ها چون در مسائل پست متمرکز شده اند، می‌تواننـد روح افراد را تحت تأثیر تنگ نظری خود قرار دهند و در نتیجه بدن انسان که تحت تأثیر روح است، آسیب ببیند.

در موضوع چشـم زخم قضیه از این قرار اسـت که بعضی از روح‌ها در عین تنگ نظری، در تمرکز روی موضوعی رشـد کرده‌اند، همان طور که بعضی از روح ها در عین وسـعت، در تمرکز روی موضوعی رشد کرده اند.

اینکـه می فرمایند: نگاه به صورت مقدس امیرالمومنین(ع) ثـواب دارد، به جهت بهره منـدی از روح متعالی آن حضرت اسـت. چون روحی که پشـت این صورت قرار دارد آن قدر با برکت و نسـبت به بقیه دلسوز و مهربان می باشد که انسان با نظر به آن حضرت از آن روح متاثر می شود.

تاثیر افکار بر افکار یک واقعیت اسـت ولی اکثر آنهایی که دنبال فالگیر و رمال و احضار روح می روند تاوان جدا شـدن از روح اولیاء و علماء ربانی را می دهند.

از منبر و مسجد و روحانی جدا شدن آرام آرام کار را به رجوع به فالگیر، رمال و جادوگر و شیطان می کشاند.

چشم زخم در قرآن و روایات

برخی مفسـران به برخی از آیات در قـرآن به این منظور تمسـک کرده اند که یکی از این موارد آیات ۵۰ و ۵۱ سـوره قلم (و ان یکاد) است که نظرات مفسران را به خود جلب کرده اسـت. خداوند در این دو آیه می فرماید: و آنان که کافر شدند چون قرآن را شـنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشـم بزنند و می گفتند او واقعا دیوانه ای اسـت. حـال آنکه [قرآن] جز تذکاری برای جهانیان نیست.

از این آیه برخی معنای چشـم زخم را برداشتند، اما عده ای دیگر آن را معنایی کنایی و شدت خشم تعبیر کرده اند.

حتی برخی گفته اند که این آیه دلالت بر تضاد رفتاری کفار دارد، یعنی از طرفی با چشم های خود به اعجاز نگاه می کنند وقتی که قرآن برای آنها خوانده می شود مجذوب می شوند و پشت سر پیامبر می گویند که پیامبر مجنون است.

آیه ای در سوره یوسـف(ع) است که حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندانش که به سوی مصر و برای دیدار برادر خود می رود می گوید از یک دروازه وارد شـهر نشوید؛ چرا که ۱۱ پسـر بودند و این احتمال وجود داشـت مورد چشم زخم قرار بگیرند. این آیه نیز از جمله آیاتی اسـت کـه برخی از آن به عنوان مصداق چشم زخم استفاده کرده اند.

از طرفی در پاسـخ به ایـن که آیا قطعاً قرآن به مسـئله چشم زخم اشاره کرده نمی توانیم جواب دقیقی بدهیم. برخی مفسـران از برخی آیات اجمالا به این نتیجه رسیده اند که به مسئله چشم زخم اشاره شده است. غیر از قرآن ما منبع دیگری به عنوان روایات و احادیث هم داریم که برخی روایات مسـئله چشم زخم را مورد اشاره قرار داده‌اند؛ از نگاه روایی نیز نه تنها منعـی در این رابطه وجود ندارد، بلکـه روایاتی وجود دارد که براسـاس آن می توان گفت مسئله چشـم زخم تا حدی قابل قبول اسـت، برای مثال واژه‌هایی مثل رقعه به معنای تعویذ و نوشـتن دعاهایی برای چشم زخم وجود دارد. واژه حرز که هر معصومی برای خود حرز دارد.

در نهج البلاغه آمده است : «العین حق و الرقی حق»: چشم زخم حق اسـت و توسـل به دعا برای دفع آن نیز حق است. (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، جمله ۴۰۰)

امام صادق(ع) فرمود: کسی که به برادر مؤمنش نگاه کرد و چیزی از او در نظرش جلوه نمود، به طوری که او را به شگفت آورد، حتمـاً باید با گفتن (الله اکبـر، العظمه لله ...) بزرگی خدا را یادآور شـود، چرا که نظر زدن و شورچشـمی یک حقیقت غیر قابل انکار است. (بحار الأنوار/ ج ۶۰/ ص ۲۵)

راه های مقابله با شورچشمی

حنان بن سدیر روایت کرده است که امام صادق(ع) فرمود: هر کس سـوره قُلْ أُوحِیَ إِلَیَّ (سوره ی جن) را بسیار تلاوت کند، هیچ وقت دچار چشـم زخـم و دمیدن (بر گره) و جادو و فریب جن نمی شـود. (ثواب الاعمـال و عقاب الاعمال/ ص ۳۱۳)

از حضرت امام صادق علیه السـلام روایت شده که فرمود: چشـم زخم حق اسـت و از تأثیر آن از خودت بر خودت، و از خودت بر دیگری ایمن نیسـتی بنابرایـن هنگامی که در این رابطه از چیزی ترسـیدی سه بار بگو: «ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم». (دررالأخبار با ترجمه فارسی/ص ۴۴۱)

چگونه ممکن اسـت با خوانـدن چند جمله ی کوتاه، از شر چشم زخم در امان ماند؟

اولاً: از دیدگاه همـه ی خردمندان عالم، خداوند علة العلل همه ی پدیده های این نظام هسـتی است و خزائن بی منتها و منابع بی پایان همه ی خیرات و کلید حل همه ی معماهای هستی، پیش او و به دست اوست.

اوسـت که می آفریند، نیازهای گوناگون را تأمین می کند، تشنه را سـیراب و گرسنه را غذا می دهد، بیمار را شفا عنایت می کند و زنده می کند و می میراند.

مراقب زیاده گویی ها باشیم

نباید از این امر غافل شـد که زیاده گویی ها در این مسئله بسـیار است. در بین توده مردم برخی از این مباحث با خرافات عجین و موجب شده برخی اصل آن را هم انکار کنند.

اسـفند دود کـردن و اسـتفاده از مهره هـای آبی برای دور کردن چشـم زخم مبنای روایی ندارد، موضوعاتی اسـت که توسـط مردم به بحث اضافه شده اسـت. همانطور که در احادیـث و روایات آمده اصل تأثیر دعا برای دفع چشـم زخم قابل انکار نیست، اما باز کردن دکانی برای نوشتن دعا و ادعای دعانویسـی به هیچ وجه قابل قبول نیست، میدان دادن به این افراد نیز گناه محسوب می شود.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۴۱

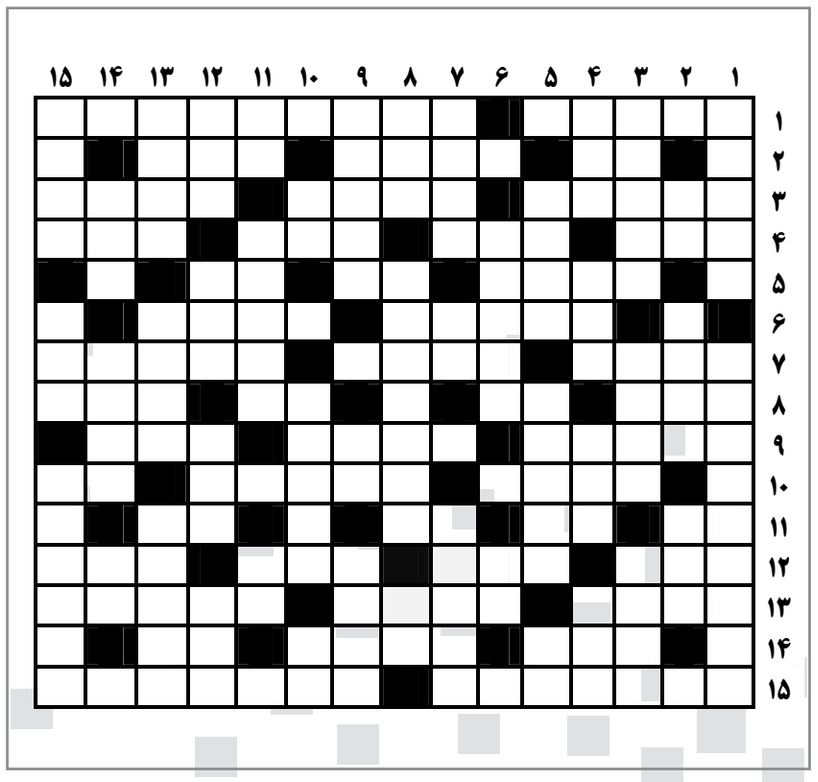

افقی:
۱-آخر- از شخصیت‌های لایق قاجار
۲-بگو به عربی- شکیبا- شهر بلقیس
۳-ناامید- برگه- از پیمان‌های نظامی
۴-نوعی آچار- سنگینی- آرزو- تحمل
۵-از واحدهـای اندازه‌گیری طول- از توابع کرمان- تکخال
۶-جانشینی- ماه عربی
۷-جاودانگـی- ایسـتاده- رئیس جمهور آرتیست آمریکایی
۸-شعف و خوشـحالی- کنایه از زیباروی- مانع- اهمیت
۹-مهیا- نقد نیست- عرضه
۱۰-پناهـگاه دندان- امضـاء نمودن- از صفات مبهم
۱۱-مظهر زیبایی- رودی اروپایی- قیمت- قلق
۱۲-از انگل‌های حیوانی- خورشید- کشتی جنگی- چغندر پخته
۱۳-لرزش- با آه همراه است- اضافی
۱۴-به عربی یعنی نزد- دوچرخه هم دارد- مادر عرب
۱۵-تعلیم- از توابع فارس

عمودی:
۱-عقد و قرارداد- سفره پهن کردن
۲-خاندان- پدر قاتل علی (ع)- زینت ناخن
۳-از روی اطمینان کامل- دوستی و یاری- بخشی از دست
۴-از میوه‌هـای بهـاری- رشـته‌کوهی آمریکایی- روزگار- عار

جواب جدول شماره ۹۴/۷۴۰

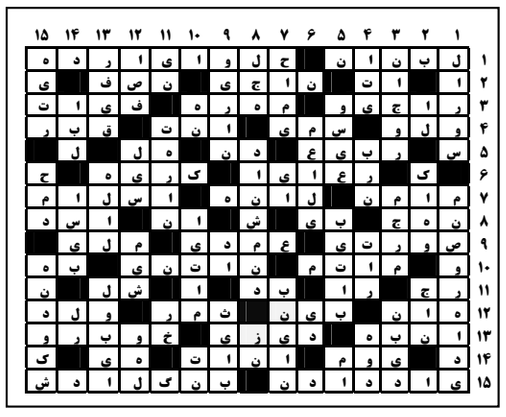

۵-نوعی گل- دستاویز- از ماه‌های سرد سال
۶-پاکی و طهارت روح- درخت زبان گنجشک
۷-گذر- نیکی- در حال گریز
۸-رنگی برای مـو- در عصر ارتباطات هم رواج دارد- اثر چربی روی لباس
۹-شماره‌ها- ای- در بهمن ماه می‌کارند
۱۰-از ضمایر عربی- نامی دخترانه- حرف همراهی
۱۱-فلز خجالتی- از تابع لارستان- نیم صدای زنبور
۱۲-خشک- بسـیار محرمانه- بحث و نزاع لفظی- گل زهرایی
۱۳-بزه از ما بهتران- واحد نظامی- سرزنش
۱۴-انگور- نوعی بتون- ناخوب
۱۵-ولوله- از سازهای ضربی- روایت کنندگان

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۱۵

	2			7		8		1
	6		9			5	7	
		1		5		6		
	3	7		6		2		
9		2	3		7	1		5
		4		2		9	3	
		6		8		7		
	4	8			6		1	
2		9		3			8	

جواب جدول شماره ۹۴/۲۱۴

4	7	3	8	2	5	1	9	6
1	5	6	3	7	9	8	2	4
2	9	8	4	1	6	5	3	7
3	4	5	7	9	8	6	1	2
8	1	9	2	6	3	4	7	5
6	2	7	1	5	4	3	8	9
9	3	2	5	4	1	7	6	8
5	6	1	9	8	7	2	4	3
7	8	4	6	3	2	9	5	1

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ سـتون عمـودی و ۹ ردیف افقی اسـت که توسط خطوط پررنگ‌تر بـه ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعـدادی از خانه‌هـا در این جـدول دارای عدد هسـتند و وظیفه شـما این اسـت که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک سـتون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعـدادی که در هـر ردیف و سـتون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شـامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره مطففین

معنی آشامیدنی خالص

معنی اینکه ابرار آشامیدنی‌هایشـان خالص است این است که در آن آشامیدنی‌ها رگه‌هایی از اباطیل و اکاذیب و حرف‌های مفت نیسـت؛ یعنی آنچه در دنیا از غذاهای روحی و معنوی آشـامیده‌اند که در آخرت تجسـم پیدا می‌کند، یک نوع غذای خالص است.

تقسیم انسان‌ها به سه گروه در حدیث

نظیر این تقسـیم‌بندی انسـان‌ها به سه گروه که در قرآن اسـت، به تعبیـر دیگری در حدیث آمده اسـت. می‌فرماید: الدنیا حـرام علی اهل الاخره و الاخره حرام عل اهل الدنیا و کلاهما حرامان علی اهل الله.

«دنیا (یعنی دنیاپرسـتی) حرام است بر اهل آخرت، و آخرت حرام اسـت بر دنیاپرستان و هر دو اینها (یعنی پرسـتش و خواسـتن اینها) حرام اسـت بر اهل الله.» اهل‌الله همان مقربین هسـتند، اهل الآخره همان ابرار هستند و اهل الدنیا همان فجار هستند.

اهل الآخره مردمی هسـتند که واقعاً کار می‌کنند و زحمت می‌کشند تا در آخرت خدای متعال به آنها لطف و تفضل کند و نعمت و بهشت بدهد. اینها گاهی کارهایی می‌کنند که بالاتر از حد بهشـت است و محض رضای خداسـت که این می‌شود همان مزاجه من تسنیم؛ یعنی از آن سرچشـمه‌ای که مقربین همیشه از آن می‌نوشند و از آن سرچشـمه‌ای که علی بن ابی طالب همیشه از آن می‌نوشـد (و هیچ وقت چشـمش را هم به بهشت نینداخته و همیشه چشـمش به خدا بوده و بس) گاهی یک چاشنی‌ای در آشـامیدنی (رحیق) این اهل الآخره وجود دارد. ولی مقربین خودشان همیشه از آن سرچشمه (تسنیم) می‌نوشند و از غیر آن نمی‌نوشند.

در سـوره هل اتی هم فرمود: عینا یشرب بها عباد‌الله یفجرونها تفجیرا، و بعد از چند آیه می‌فرماید: و سـقیهم ربهم شـرابا طهورا پروردگار آنها به آنها آشـامیدنی‌ای آشـامانید که طهور بود (یعنی پـاک کننده بود و آنها را از همه چیز پاک کرد).

آیات قرآن و روایات، منشأ اصطلاحات اهل عرفان

همین آیات، منشـأ اصطلاحات اهل عرفان شده که معنویت را با می و معشـوق و جـام و امثال اینها تعبیر می‌کنند. در کلمـات امیرالمؤمنیـن(ع)، کلمات ائمه و دعاها نیز زیاد داریم که مقامات معنوی با الفاظ شراب و مشروب و خمر و امثال اینها بیان شده باشد.

مثـلاً در نهج‌البلاغه تعبیر حضـرت راجع به مردمی که در زمـان حضرت حجت هسـتند و در آن وقت به یک حد کمال عقلانی و فکری می‌رسـند، این است: و یغبقون کأس الحکمه بعد الصبوح. (صبوح جام صبحانه را می‌گویند و غبوق جام شبانه.)

حضرت می‌فرمایـد: «آنها جام‌های صبوح حکمت را بعد از جام‌های غبوق می‌نوشـند؛ شب جام می‌نوشند و صبح جام می‌نوشند.» از همین جام‌هایی تعبیر کرده که در مورد شـراب می‌گویند، چون صبـوح و غبوق را در مورد شـراب می‌گفته‌اند، ولی ایشـان در مورد حکمت به کار برده‌اند: «صبحگاهان جام حکمت می‌نوشـند و شامگاهان بعد از آن، باز جام حکمت می‌نوشند.»

دعاهای امام زین‌العابدین (ع)

دعاهای امام زین‌العابدین(ع) معارف و حقایقی است که ایشان در حال دعا ذکر کرده‌اند.

دعای ابوحمزه ثمالی که یکی از دعاهای سـحر ماه مبارک رمضان اسـت و دعای بسـیار مفصلی اسـت، نمونه‌ای از این دعاهاسـت. افسـوس کـه این دعاها شرح نشـده است و اگر شرح بشـود، عجیب است. در همین دعای ابوحمزه می‌فرماید: [اللهم انی اجد سـبل المطالب الیک مشـرعه] و مناهـل الرجاء الیک مترعه. پروردگارا منهل‌های تو برای کسـانی که وارد آن بشوند پر از آب اسـت. («منهل» به قسمت‌هایی از کناره‌های رودخانه‌های بزرگ- مثل فرات- گفته می‌شود که حالت سراشیبی دارد و انسـان‌ها و حیوان‌ها می‌توانند بروند و استفاده کنند و سیراب شوند.)

صحیفه سجادیه

[نمونه دیگر از دعاهای حضرت، دعاهایی اسـت که در] صحیفه سـجادیه است و الان به صورت یک کتاب اسـت. مکرر این را پیشنهاد کرده‌ام که یکی از کارهای بسـیار خوب- اگر اهل خیری پیدا بشـوند- این است که صحیفه سـجادیه را به چاپ خوبی چاپ کنند و در ابتدایش یک صفحه اضافه کنند و در آن یک متن اهدا بنویسند و فقط جای مشخصات را خالی بگذارند.

به این صورت که مثلاً «این کتاب از طرف برادر شما ... اهل ... به شما ... اهل کشور ... که در سال ... به مکه آمده‌اید اهدا می‌شـود.» آن وقت هر ایرانی که به مکه می‌رود، با خودش ده بیسـت تا از این کتاب‌ها ببرد و به مردمی که از اطراف آمده‌اند هدیه کند.

این کتاب، دعای محض اسـت و یـک کلمه از آن کلماتی که موجب بهانه سـعودی‌ها بشود در آن وجود ندارد. [اول کتاب] هم بنویسـند که اینها دعاهایی است متعلق به علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، فرزند رسـول الله که در سـال ۳۸ هجری قمری متولد شد و در سـال ۹۵ هجری قمری از دنیا رفـت و امام چهارم شیعیان است.

به نظر من این بهترین شیوه تبلیغ است؛ تبلیغ بی‌سر و صدایی است که در آن نه فحش است و نه مباحثه‌ای که طرف بخواهد عکس‌العمل نشان بدهد. خلاصه برای شـیعه یکی از بهترین تبلیغ‌ها پخش صحیفه سجادیه در میان مسـلمین دنیاست که اصلاً از چنین کتابی خبر ندارند.